

معلم زبان و شرایط متفاوت زبان آموزان

اکبر عبداللهی (نویسنده مسئول)

استادیار آموزش زبان فرانسه دانشگاه تهران

Email: akbar.abdollahi@ut.ac.ir

آسیه خواجه علی

کارشناس ارشد آموزش زبان فرانسه دانشگاه تهران

Email: a.khajehali@ut.ac.ir

مقدمه

در مقاله پیشین به بررسی سه دغدغه معلمان زبان پرداختیم و از تعریف زبان، یاددهی و یادگیری سخن گفتیم. برای ورود به بخش‌های عملی تدریس و انتخاب روش و متد مؤثر آموزش، معلم یا مدرس زبان با شرایط متفاوت، به لحاظ زبان‌آموزان و محیط آموزشی، مواجه می‌شود. هر چند ممکن است همگان روشی را به سبب کاربرد موفق و تأثیر خوبی که در آموزش زبان داشته است روش‌های دیگر ترجیح دهند، اما این نکته را هم باید در نظر داشت که هر موقعیت آموزشی دارای متغیرهایی است که می‌بایست در روند آموزش مورد توجه قرار بگیرد. به‌عنوان مثال، تدریس به گروه سنی کودکان یا بزرگسالان، تدریس در شرایطی که زبان‌آموزان زبان را برای هدفی خاص می‌آموزند و تدریس به زبان‌آموزانی که در شرایط زبانی و فرهنگی کاملاً ویژه‌ای هستند. در هر یک از این موارد معلم زبان ملزم به انتخاب متدولوژی و روش‌هایی منطبق با این متغیرهاست. در این مقاله می‌کوشیم با معرفی متغیرها و شرایط متفاوت زبان‌آموزان، مدرسان زبان را در انتخاب آگاهانه روش آموزشی مناسب یاری نماییم.

محقق بزرگ فرانسوی کورتیون (۱۱: ۲۰۰۳) سه متغیر مهم در آموزش زبان را این‌گونه معرفی می‌کند: ۱. ماهیت^۱ و ویژگی‌های زبان‌آموزان ۲. اهداف^۲ یادگیری زبان خارجی ۳. ارتباط بین زبان مادری و زبان خارجی. در این مقاله این سه وجه را به‌طور دقیق مورد بررسی قرار می‌دهیم. لازم به ذکر است که هر یک از متغیرهای یاد شده خود شامل زیر مجموعه‌هایی متفاوت است.

کلیدواژه‌ها: اهداف یادگیری، ارتباط بین زبان مادری و زبان خارجی، ویژگی‌های زبان‌آموز

۱. ماهیت و ویژگی‌های زبان آموزان

در بعضی کلاس‌ها ممکن است زبان‌آموزان ویژگی‌های متفاوتی، به لحاظ سبک‌ها و راهبردهای یادگیری داشته باشند که این سبک‌ها و راهبردها مختص هر زبان‌آموز است. اما ویژگی‌های مشترکی نیز وجود دارد. در این بخش سه مورد از مهم‌ترین ویژگی‌های گروه‌های زبان‌آموز را بررسی می‌کنیم. این سه مورد عبارت‌اند از: ۱. سن زبان‌آموزان ۲. داوطلبانه یا اجباری بودن زبان‌آموزی گروه ۳. رابطه بین معلم و زبان‌آموزان.

□ سن زبان‌آموزان

می‌دانیم که دوران کودکی بهترین زمان برای یادگیری زبان خارجی است. به گفته گربدیان (۱۹۸۶)، محقق در زمینه آموزش زبان به کودکان، کودکان با موانعی که بزرگسالان در یادگیری زبان با آن درگیر هستند، مواجه نیستند. کودکان توانایی این را دارند که زبان خارجی را مانند زبان مادری‌شان بیاموزند. همچنین توانایی کودکان در دریافت گفتار آن‌ها را از بزرگسالان متمایز می‌سازد. اما با رشد فرد، به تدریج با تغییرات تکاملی که در سیستم زبان مادری صورت می‌گیرد، این توانایی از بین می‌رود. دیگر مؤلفه‌هایی که گربدیان به‌عنوان ابزار تسهیل‌کننده یادگیری زبان نزد کودکان بیان می‌کند عبارت است از: نیاز به برقراری ارتباط، وجود محیط اجتماعی-احساسی و عدم وجود موانع شناختی و بازدارنده ذهنی نزد کودکان. بنابراین روش‌های آموزش زبان به کودکان با بزرگسالان بسیار متفاوت است. در آموزش زبان به بزرگسالان باید به این نکته توجه کرد که به‌کارگیری چه روش‌هایی می‌تواند یادگیری زبان را برایشان تسهیل نماید.

□ داوطلبانه یا اجباری بودن زبان‌آموزی گروه

ما، در آموزش زبان خارجی، با دو گروه زبان‌آموز مواجه هستیم. دسته اول، زبان‌آموزانی که ناچار به یادگیری زبان شده‌اند و هیچ انتخاب دیگری ندارند. به‌عنوان مثال دانش‌آموزانی که در مدرسه ملزم به یادگیری یک یا دو زبان خارجی هستند و یا افرادی که برای مهاجرت و یا ادامه تحصیل در کشوری دیگر می‌بایست زبان آنجا را بیاموزند. از دسته اول‌اند. دسته دوم، زبان‌آموزانی هستند که داوطلبانه و حسب ذوق و علاقه خود در پی یادگیری زبان خارجی هستند. و طبعاً زبان خارجی را از روی علاقه و چه بسا با اشتیاق می‌آموزند. بنابراین معلم زبان در مورد گروه اول، یعنی کسانی که به ناچار به یادگیری زبان خارجی روی می‌آورند، با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شود که باید آن‌ها را از پیش رو بردارد. در اینجا نکاتی را در مورد تدریس به گروه دوم مطرح می‌کنیم.

غالباً به‌نظر می‌رسد احساس اجباری بودن یادگیری زبان بزرگ‌ترین چالشی است که زبان‌آموزان گروه اول با آن مواجه

هستند. اما باید دانست که تأثیر این احساس بر کاهش علاقه و انگیزه نیز از نظر معلمان چالش و مانع مهمی به حساب می‌آید. برخی معتقدند اجباری بودن یادگیری از جمله موانع ایجاد انگیزه در زبان‌آموزان است. اگرچه از سوی دیگر، انگیزه به تدریج و در طی دوره زبان‌آموزی ایجاد می‌گردد و این به میزان زیادی به مهارت معلم در چگونگی تدریس زبان هم وابسته است.

به گفته گربدیان (۱۹۸۶)، محقق در زمینه آموزش زبان به کودکان، کودکان با موانعی که بزرگسالان در یادگیری زبان با آن درگیر هستند، مواجه نیستند. کودکان توانایی این را دارند که زبان خارجی را مانند زبان مادری‌شان بیاموزند. همچنین توانایی کودکان در دریافت گفتار آن‌ها را از بزرگسالان متمایز می‌سازد. اما با رشد فرد، به تدریج با تغییرات تکاملی که در سیستم زبان مادری صورت می‌گیرد، این توانایی از بین می‌رود

عوامل ایجاد انگیزه

براساس نظر کورتیون (۱۴: ۲۰۰۳) عناصری که باعث ایجاد انگیزه نزد زبان‌آموز می‌شوند عبارت‌اند از:

۱. علاقه به کار کردن با زبان دوم، قدم گذاشتن به فضایی که لازم است زبان‌آموز از آن آگاه شود. معلم می‌تواند به زبان‌آموز گوشزد کند که در حال فراگیری فرهنگی جدید و اطلاعاتی متفاوت و متنوع است و اینکه در دنیای جدیدی قدم گذاشته است. ایجاد علاقه در زبان‌آموز به متون (کتبی یا شفاهی) مورد استفاده و به موضوعاتی که در کلاس توسط معلم به بحث گذاشته می‌شود نیز بستگی دارد. متون آموزشی باید برای زبان‌آموز این امکان را فراهم کند که بتواند جوانب فرهنگی متفاوت را کشف کند. به‌علاوه این متون نباید خیلی سخت و طولانی باشند.

۲. استفاده از فعالیت‌های متنوعی در کلاس که ایجاد خستگی نکند و زبان‌آموز گذر زمان را متوجه نشود. تناسب نوع فعالیت‌های کلاسی با روش و کتابی که معلم برگزیده است بسیار اهمیت دارد. هر قدر روش تدریس به دخالت مستقیم و هدایت معلم نیاز بیشتری داشته باشد از درگیر شدن زبان‌آموز با فعالیت‌ها و مواد آموزشی کاسته می‌شود. چنین روشی بیشتر معلم‌محور است تا زبان‌آموز محور.

مرا دوست ندارد و هر چه دقتم بیشتر باشد موفق تر خواهیم بود.

۲- شرکت فعال زبان آموز در روند یادگیری

در این دیدگاه زبان آموز در روند آموزش حضوری فعال دارد، سوالات خود را مطرح می کند، نظرات خود را به راحتی بیان می کند، سعی می کند خلاق باشد، خودش به دنبال یافتن معانی و قواعد دستوری می رود، خودش برای فهم متون تلاش می کند و به سمت مستقل شدن پیش می رود. این از منظر زبان آموز یعنی اینکه معلم به من کمک می کند، من خودم برای فهم متون تلاش می کنم. سعی می کنم مطالبی را که نمی دانم حدس بزنم. می توانم برخی قواعد را با جست و جو در متن به راحتی پیدا کنم و در مورد آن با دوستانم بحث و گفت و گو کنم و اگر اشتباه کنم ایرادی ندارد چرا که به تدریج می توانم اشتباهاتم را اصلاح کنم.

۲. اهداف یادگیری زبان خارجی

وقتی که معلم در جست و جوی هدف زبان آموزان از یادگیری زبان می باشد باید دو نکته را مورد توجه قرار دهد: اول نیازهای زبان آموزان و دوم انتظارات^۱ و نگرش^۲ زبان آموزان. در ادامه این دو مقوله بسیار مهم را، که در روند آموزش زبان تأثیر بسزایی دارند، بررسی می کنیم.

□ نیازهای زبان آموزان

نیازهای زبان آموزان تابعی از اهداف آنهاست. این نیازها در دو بخش تعریف می شود:

- بخش عملی: این بخش همه دانش عملی را که لازم است زبان آموز بدان دست یابد شامل می شود. دست یابی به نیازهای زبان آموزانی که برای هدفی خاص و به طور داوطلبانه زبان خارجی را فرا می گیرند آسان است، به عنوان مثال ما می دانیم که دانش عملی مورد نیاز یک حقوق دان، معمار و یا کارمند بخش توربسم چیست. اما مشخص کردن این نیازها برای کسانی که بالاجبار زبان را می آموزند یا در کلاس های زبان عمومی شرکت می کنند سخت خواهد بود. بنابراین در این موارد باید به زبان آموزان در تعیین اهداف قابل قبول کمک کرد و در آنها برای یادگیری زبان انگیزه ایجاد کرد.

- بخش شناختی و احساسی: این بخش راهبردهای یادگیری زبان را در برمی گیرد. در این مورد معلم باید دقت و توجه زیادی برای رصد کردن و شناختن راهبردهای یادگیری نزد تک تک زبان آموزان داشته باشد. زیرا آموختن راهبردهای درست یادگیری زبان جزء مهم ترین عناصر و عوامل در روند یادگیری زبان است. برخی از این راهبردها از همان ابتدا به شکل درست از طرف زبان آموزان به کار گرفته می شود و برخی دیگر در روند

براساس گفته کورتیون (۲۷: ۲۰۰۳)، حدود ۵۰ سال است که کتاب های آموزش زبان «جهانی» شده اند. مخاطبان این کتاب ها همه جوامع زبانی در سراسر جهان هستند. به عنوان مثال ما ایرانیان زبان فرانسه را با همان کتاب های آموزشی فرا می گیریم که یک ایتالیایی، اسپانیایی، برزیلی یا یک فرد چینی آن را فرا می گیرد. وجود این پدیده به دلیل جهانی شدن ابزار آموزشی است که رقیبان را کنار زده و ابزارهایی قابل قبول و پر طرفدار ارائه کرده است

۳. احساس پیشرفت و رسیدن به نتیجه یکی دیگر از عوامل ایجاد انگیزه به شمار می رود. میزان احساس پیشرفت نزد زبان آموز با روش آموزشی معلم در ارتباط است. روشی که در آن زبان آموز فرصت های زیادی برای فهمیدن، صحبت کردن و اصلاح خود داشته باشد و بتواند مستقیماً نظاره گر پیشرفت خود باشد به درگیر شدن زبان آموز در فرایند یادگیری کمک می کند. همچنین نحوه ارزیابی های متناوب معلم از زبان آموزان نیز اهمیت زیادی دارد. این ارزیابی ها نباید تنها محدود به ارزیابی دانش نظری^۳ زبان آموزان باشد بلکه دانش عملی^۴ آنها نیز باید مورد ارزیابی قرار گیرد. موارد ذکر شده از جمله مهم ترین عوامل ایجاد و تقویت کننده انگیزه نزد زبان آموزان است.

□ رابطه بین معلم و زبان آموز

بدون شک رابطه بین معلم و زبان آموز یکی از مهم ترین مواردی است که تعیین کننده نگرش زبان آموزان نسبت به کلاس است. بنابر نظر کورتیون (۱۷: ۲۰۰۳) می توان این ارتباط را در دو دیدگاه مشخص زیر طبقه بندی کرد:

- تسلیم بودن زبان آموز در برابر معلم و تبعیت مطلق

او از معلم

بی تردید پیروی از این دیدگاه ابتکار عمل را از زبان آموز سلب می کند و عملکرد وی منحصر می شود به توجه کردن به درس و اطاعت از معلم و پاسخ به سوالات های او. این روش در ذهن زبان آموز چنین القا می کند که در آموزش زبان معلم همه کاره است: مثلاً می گوید: من چیزی از متون باقی مانده نمی فهمم زیرا معلم هنوز آن را به من نیاموخته است. یا: این قاعده دستوری را بلد نیستم چون هنوز معلم برایم توضیح نداده است و نیز: باید سعی کنم کمترین اشتباه را داشته باشم، چون معلم اشتباهات

یادگیری فراگرفته می‌شود. آموزش این راهبردها به زبان آموزان بر عهده معلم است. برخی از این راهبردها عبارت‌اند از: قدرت استنباط، توانایی شکوفایی، توانایی خود ارزیابی و به اشتراک گذاشتن احساسات و عواطف در گروه‌های کلاسی.

□ انتظارات و نگرش زبان آموزان

هنگامی که اهداف یادگیری زبان مشخص شده باشد باید آن‌ها را به مرحله اجرا گذاشت و نیازهای زبان آموزان را به‌طور دقیق مشخص کرد. بنابراین باید در مورد انتظارات و توقعات زبان آموزان و نگرش آن‌ها نسبت به فراگیری زبان خارجی آگاه شد. آگاه بودن نسبت به انتظارات و نگرش زبان آموزان موجب می‌شود که معلم بتواند از دلیل مقاومت و سرپیچی زبان آموزان یا بر عکس شرکت فعال آن‌ها در روند فراگیری آگاه گردد. با آگاهی نسبت به این مسائل، معلم می‌تواند رفتار آموزشی^{۱۱} خود را با کلاس درس تطبیق دهد. انتظارات و نگرش در حوزه مسائل اجتماعی-روانی^{۱۲} هستند. انتظارات زبان آموزان با توجه به محیط زندگی و اوضاع و احوال اجتماعی آن‌ها متفاوت است. بر همین اساس از فرد انتظار می‌رود که در برخی موارد فعال باشد و در مواردی دیگر منفعل. نگرش، به میزان اعتمادبه‌نفسی که زبان آموز از رهگذر موفقیت‌ها و ناکامی‌ها حاصل می‌کند، بستگی دارد. این نگرش می‌تواند مثبت، منفی یا خنثی باشد.

۳. ارتباط بین زبان مادری و زبان خارجی

براساس گفته کورتیون (۲۷: ۲۰۰۳)، حدود ۵۰ سال است که کتاب‌های آموزش زبان «جهانی» شده‌اند. مخاطبان این کتاب‌ها همه جوامع زبانی در سراسر جهان هستند. به‌عنوان مثال ما ایرانیان زبان فرانسه را با همان کتاب‌های آموزشی فرا می‌گیریم که یک ایتالیایی، اسپانیایی، برزیلی یا یک فرد چینی آن را فرا می‌گیرد. وجود این پدیده به‌دلیل جهانی شدن ابزار آموزشی است که رقیبان را کنار زده و ابزارهایی قابل قبول و پر طرفدار ارائه کرده است. غالباً از سازگاری و انطباق با شرایط و ویژگی‌های فرهنگی زبان آموزان و محیط آموزشی سخن به میان می‌آید اما کمتر از خود می‌پرسیم که آیا متد و کتاب انتخابی برای زبان آموزانی که مخاطب ما هستند مناسب است یا خیر. در این میان ویژگی‌های زبانی زبان مادری و زبان خارجی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به منظور فهم ارتباط بین زبان مادری و زبان خارجی باید دو مرحله اساسی شناخت را در فراگیری زبان جدید مورد بررسی قرار داد که عبارت‌اند از: دریافت^{۱۳} و به خاطر سپردن^{۱۴}.

برای دریافت رمزگان^{۱۵} ارتباطی بایستی در ابتدا فرد توانایی دریافت و فهمیدن این رمزگان را در تمام جنبه‌های آوایی، لغوی و دستوری داشته باشد. این درک درست به ما نشان می‌دهد که آیا این زبان یک زبان نزدیک^{۱۶} است؛ یعنی زبانی که از یک

زبان واحد مانند لاتین ریشه گرفته باشد. در زبان‌های هم‌ریشه لغات، قواعد دستوری و کدهای ارتباطی مشترک زیادی وجود دارد که یادگیری زبان را برای زبان آموز آسان می‌کند، اما بین زبان‌های دور^{۱۷} ارتباطات کمتری به چشم می‌خورد. بنابراین باید به زبان آموزانی که زبان مادری آن‌ها با زبان خارجی هم‌ریشه نیست کمک کرد تا به درک درست‌تری از لغات، تلفظ و قواعد دستوری دست پیدا کنند. در مورد به خاطر سپردن و حفظ کردن کلمات و جملات نیز ارتباط بین زبان مادری و زبان مقصد تأثیرگذار است. واضح است که زبان آموز کلمات و جملاتی را که به لحاظ دستوری به زبان مادری‌اش نزدیک‌تر باشند راحت‌تر به خاطر می‌سپارد و راحت‌تر به کار می‌برد.

در این مقاله سعی کردیم تا شرایط متفاوت تدریس، نیازها و نگرش متفاوت زبان آموزان را بررسی کنیم. دانستن موارد بررسی شده به معلم زبان کمک خواهد کرد تا در شرایط متفاوت و هنگام روبرویی با زبان آموزان مختلف برنامه آموزشی خود را تعیین و تنظیم نماید.

پی‌نوشت‌ها

1. Nature
2. Objectifs
3. Style
4. Stratégies
5. Perception de la parole
6. Cognitif
7. Savoir
8. Savoir-faire
9. Attente
10. Attitude
11. Comportement pédagogique
12. Sociopsychologique
13. Perception
14. Mémorisation
15. Code communicatif
16. Langue voisine
17. Langue lointaine

منابع

- Atienza. J. L. 1995. L'approche communicative : un appel à la résistance. ELA, Paris : Didier Erudition, volume 100.
- Beau D. 2008, *La boîte à outils du formateur*. Paris : Les éditions d'organisation.
- Conseil de l'Europe, 2001. *Cadre européen commun de référence pour les langues*. Paris : Didier.
- Courtilion. J. 2003. *Elaborer un cours de FLE*. Paris : Hachette.
- Galisson. R, Puren. C. 1999. *La formation en questions*. Paris : CLE international.
- Garabedian, M. 1986. *Le grand livre des histoires*. Paris : Didier.
- Kramsch. C. 1948. *L'interaction et discours dans la classe de langue*. Collection LAL, Paris : Didier-Hatier.
- Lataste D. 2008, *Gérer les conflits dans vos formations*. Paris : Eyrolles.
- Orsenna. E. 2001. *La grammaire est une chanson douce*. Stock.
- Trocmé. H. 1987. *J'apprends, donc je suis*. Paris : Les éditions d'Organisation.